



درسنامه عربی پایه دوازدهم

انسانی



با تشکر و تقدیر:

از دانش آموز شقایق جمالی یازدهم ریاضی
دبیرستان نمونه دولتی مهدیه ناحیه (۲) استان قم
که خالصانه در تایپ این جزوه
و طراحی و گرافیک متن و صفحه آرایی
مارا یاری نمودند.

دبیر مربوطه: مرضیه نوبهار

فهرست:

۳.....	الدرسُ الأولُ: معاني الحروفِ المشبَّهَةِ بالفعلِ وَ لا النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ.....
۱۰.....	الدرسُ الثاني: الحال.....
۱۴.....	الدرسُ الثالثُ: الاستثناءُ وَ أسلوبُ المَصْرِ.....
۲۳.....	الدرسُ الرابعُ: المفعولُ المطلقُ.....
۲۶.....	الدرسُ الخامسُ: أسلوبُ النداءِ.....

توجه توجه

در تهیه این جزوه از فونت Arabic Typesetting برای متن و فونت IranNastaliq و B Nazanin برای سر تیتر استفاده شده است.

الدرس الأول: (١) حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ (٢) "لا" نفي جنس

«حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ»

حروفي داریم که به آن ها حروف مشبهة بالفعل (شبيه به فعل) می گویم.
این حروف عبارتند از :

لَعَلَّ	لَيْتَ	لَكِنَّ	كَأَنَّ	أَنَّ	إِنَّ
شاید	کاش	ولی	گویا	که	قطعاً
امید است	—	لیکن	مثل اینکه	اینکه	همانا

به ترجمه این حروف در بالا دقت کنید.

چرا به این حروف، حروف مشبهة بالفعل (یعنی شبيه به فعل) می گویم؟

زیرا این حروف مانند افعال ناقصه عمل می کنند.

سال گذشته با افعال ناقصه مثل كَانَ، لَيْسَ، صَارَ و... آشنا شدیم.

افعال ناقصه به اسم و خبر نیازمند هستند یعنی این افعال به جای فاعل و مفعول به اسم و خبر نیاز داشتند.

پس از آن جا که حروف مشبهة بالفعل هم مثل افعال ناقصه به اسم و خبر نیاز دارند به آن ها حروف مشبهة بالفعل می گویم.

«کاربرد این حروف»

این حروف قبل از جمله اسمیه (یعنی مبتدا و خبر آمده) و تغییراتی را در جمله اسمیه ایجاد می کنند.

مانند: اللَّهُ غَفُورٌ ← خداوند آمرزنده است

حالا می خواهیم جمله را تأکید کنیم و بگوییم قطعاً، حتماً خداوند آمرزنده است ← إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

إِنَّ را قبل از جمله می آوریم که در این صورت دو تغییر در جمله ایجاد می شود:

(۱) الله دیگر مبتدا نیست و از ابتدائیت خارج و اسم إِنَّ می شود.

هم چنین غفورٌ دیگر خبر الله (مبتدا) نیست بلکه خبر إِنَّ می شود.

إِنَّ	اللَّهُ	غَفُورٌ
حروف مشبهة بالفعل	اسم إِنَّ	خبر إِنَّ

(۲) حروف مشبهة بالفعل حرکت اسم و خبر خود را تغییر می دهند بدین صورت که: اسم را منصوب (َ ، ِ ، ِیْ) و خبر را مرفوع (ُ ، ِ ، ِیْ) می کنند (البته خبر قبلاً هم مرفوع بوده لذا حرکت آن تغییر نمی کند) به مثال دیگری توجه کنید:

الطالبُ	جالِسٌ	(جمله اسمیه)	دانش آموز نشسته است
كَانَ	الطالبُ	جالِسٌ	گویا دانش آموز نشسته است
مبتدا	خبر		
حروف مشبهة بالفعل	اسم كَانَ	خبر كَانَ	

دقت کنید: الطالب ← مبتدا بود اسم كَانَ شد ، جالِس ← خبر مبتدا بود خبر كَانَ شد

هم چنین اعراب (حرکت) الطالب منصوب گردید.

نکته (۱): با توجه به نیاز معنای حروف مشبهة بالفعل از آن ها در جمله استفاده می کنیم.

«معانی حروف مشبهة بالفعل»

إِنَّ معمولاً در اول جمله و برای تأکید جمله می آید.

أَنَّ: معمولاً در وسط جمله و به معنی "که" و "اینکه" و برای اتصال دو جمله می آید.

عَلِمْتُ	أَنَّ	الطَّالِبُ	نَاجِحٌ
فعل و فاعل	مشبهة بالفعل اتصال دو جمله	اسم أَنَّ	خبر أَنَّ
جمله اول			جمله دوم

كَأَنَّ: برای تشبیه به کار می رود.

لَكِنَّ: برای رفع اتهام از جمله قبل به کار می رود.

لَيْتَ: برای آرزو و تمنا به کار می رود و در عربی می گویند لَيْتَ: (لِلتَّامَنَى)

لَعَلَّ: برای امید به کار می رود و در عربی می گویند لَعَلَّ: (لِلتَّرَجَّى ← رجا و امید)

دقت کنیم نکاتی که در رابطه با معنای حروف مشبهة گفته شده سوالات کنکور بودند.

نکته ۲: گاهی با حروف مشبهة بالفعل ضمائر متصل همراه می شود. در این صورت این ضمائر

متصل (هُ، هَا، كَ، كِ، يَ، نَا) اسم حروف مشبهة بالفعل خواهد بود. مانند:

إِنَّ	كَأَنَّ	هَـ	هَـ
حروف مشبهة بالفعل	حروف مشبهة بالفعل	ضمير اسم كَأَنَّ	خبر كَأَنَّ

نکته ۳: در سال های گذشته خواندیم که خبر می تواند به سه صورت زیر باشد:

- ۱) یک اسم باشد (خبر مفرد) ← الطالبُ نَاجِحٌ ← خبر اسم
- ۲) یک فعل باشد (خبر جمله) ← الطالبُ نَجَحَ ← خبر فعل
- ۳) جار و مجرور باشد (شبه جمله) ← الطالبُ في الصفِّ ← خبر جار و مجرور

دقت کنیم که خبر حروف مشبهة بالفعل هم مثل خبر مبتدا و خبر افعال ناقصه می تواند به سه صورت بالا باشد. مانند:

- (۱) كَانَ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةً لا تُدْرِكُ
 مشبهة بالفعل اسم كان مضاف اليه خبر كان (واسم)
 (۲) لَكُنَّ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ
 مشبهة بالفعل اسم لكن مضاف اليه خبر لكن (فعل)
 (۳) إِنَّ التَّالِمِيذَ فِي الْبَيْتِ
 مشبهة بالفعل اسم إن خبر إن (جار و مجرور)

نکته (۴): گاهی همراه آن حرف "ل" آورده می شود ← لِأَنَّ: در این صورت به معنای زیرا، برای اینکه، می باشد.

نکته (۵): بعضی از این حروف مثل إِنَّ، أَنَّ، لَيْتَ هر گاه همراه با ضمیر "ی" بیایند به آن ها نون وقایه اضافه می کنیم. مانند:

- إِنَّ نَیْ حرف مشبهة وقایه اسم إن
أَنَّ نَیْ حرف مشبهة وقایه اسم أن
لَيْتَ نَیْ حرف مشبهة وقایه اسم لیت

نکته (۶): اگر خبر «لَعَلَّ و لَيْتَ» فعل مضارع باشد فعل مضارع را به صورت مضارع التزامی معنا می کنیم. مانند:

- لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ : ای کاش دوستم موفق بشود یا موفق شود.
لَعَلَّ الطَّالِبَ يُسَافِرُ : شاید دانش آموز مسافرت بکند یا مسافرت کند.
 مشبهة بالفعل اسم ليت خبر ليت (فعل مضارع)
 مشبهة بالفعل اسم لعل خبر لعل (فعل مضارع)

نکته (۷): اگر خبر "لَيْتَ" فعل ماضی باشد می توان فعل ماضی را به دو صورت ترجمه کرد:

(۱) استمراری ← لَيْتَ صَدِيقِي نَجَحَ : ای کاش دوستم موفق می شد.

(۲) بعید ← لَيْتَ صَدِيقِي نَجَحَ : ای کاش دوستم موفق شده بود.

دقت کنیم که چه در فعل مضارع و چه در فعل ماضی قانون همیشگی نیست و بیشتر باید ببینیم در جمله ترجمه چگونه زیباتر می شود.

"لا" نفی جنس

در سال های قبل با انواع "لا" آشنا شدیم که عبارتند از :

(۱) "لا" نفی : قبل از فعل مضارع می آید و فعل مضارع را منفی می کند. مانند:

يَذْهَبُ ← می رود ← منفی (نفی) ← لا يَذْهَبُ ← نمی رود

(۲) "لا" نفی : قبل از فعل مضارع می آید و فعل را تبدیل به فعل نفی می کند.

فعل نفی : باز داشتن شخص از کار است مانند : نرو ، ننویس ، ننشین

تفاوت "لا" نفی با "لا" نفی : "لا" نفی در آخر فعل مضارع هیچ تغییری ایجاد نمی کند اما "لا" نفی در آخر فعل مضارع تغییراتی ایجاد می کند.

این تغییرات به دو صورت است :

(۱) ضمه را از آخر فعل مضارع حذف می کند : تَذْهَبُ ← لا تَذْهَبُ

(۲) صیغه هایی که دارای "نون" هستند "نون" را حذف می کند به جز دوصیغه جمع مؤنث سالم

مانند : يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَا يَذْهَبُونَ ← لا يَذْهَبُوا

يَذْهَبْنَ ← لا يَذْهَبْنَ تَذْهَبْنَ ← لا تَذْهَبْنَ

جمع مؤنث غائب

جمع مؤنث مخاطب

(۳) "لا" در جواب استفهام (پرسش) : یک "لا" داریم این لا در جواب سؤال و پرسش می آید. مانند :

هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ «لا». أَأَنْتَ مُعَلِّمٌ؟ «لا» أَنَا طَالِبٌ

این "لا" به معنی "نه" یا "خیر" می باشد و معمولاً در جواب سؤالاتی که با حرف استفهام هَلْ ، أ (آیا) پرسیده می شود می آید.

(۴) "لا" نفی جنس : امسال می خواهیم با "لا" دیگری آشنا شویم همان طور که از اسم آن مشخص است این "لا" اسم های جنس را منفی می کند.

اسم جنس چیست و به معنای چیست؟

اسم های جنس به اسم هایی می گوئیم که کلی هستند و بر افراد زیادی دلالت دارند. مثلاً: دختر، پسر، درخت، کوه

دختر اسمی کلی است که بر خیلی از افراد جنس دختر دلالت می کند

درخت اسمی کلی است که بر جنس تمامی درختان دلالت می کند

پس:

لا نفی جنس باید بعد از آن یک اسم جنس باشد مانند:

لا	تَلْمِیْذٌ	فِی الصِّفِّ	لا	إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
نفی جنس	اسم جنس		نفی جنس	اسم جنس و بر خدایان (بت ها) هم دلالت می کند

به نکات زیر توجه کنید :

نکته ①: برای تشخیص "لا" نفی جنس دقت کنیم که بعد از "لا" نفی جنس اسم داریم ولی "لا" نفی و نهی بعد از آن ها فعل است.

نکته ②: "لا" نفی جنس مانند حروف مشبهة بالفعل به اسم و خبر نیاز دارد و مثل حروف مشبهة بالفعل عمل می کند یعنی اسم را (َ) و خبر را مرفوع (ُ) می کند. مانند :

لا	شَیْءٌ	أَجَلٌ	مِنَ الصَّبْرِ	،	لا	فَقْرٌ	أَشَدُّ	مِنَ الْجَهْلِ
لا نفی جنس	اسم لا	خبر لا			لا نفی جنس	اسم لا	خبر لا	

نکته ③: دقت کنیم اسم "لا" نفی جنس "ال" و تنوین نمی گیرد و همیشه حرکتش فتحه (َ) است. به مثال های بالا توجه کنید.

نکته ④: خبر "لا" نفی جنس می تواند مانند خبر حروف مشبهة بالفعل سه حالت باشد.

نکته ⑤: در ترجمه "لا" نفی جنس از کلمه (هیچ ... نیست) استفاده می کنیم.

مانند: لا تَلْمِذٌ فِي الصَّفِّ ← هیچ دانش آموزی در کلاس نیست.

سوال ؟؟؟

به این فراز از دعای جوشن کبیر دقت کنید و نوع "لا" را مشخص نموده ، عبارات را ترجمه کنید :

يا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ

يا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ

يا أَنِيسَ مَنْ لَا أَنِيسَ لَهُ

الدَّرْسُ الثَّانِي: حال

تعریف: حال کلمه ای است که حالت و چگونگی یک اسم را هنگام وقوع فعل نشان می دهد.
مانند:

يُصَلِّي	المُؤْمِنُ	الصَّلَاةَ	خاضِعاً	←	مؤمن نماز را خاضعانه پيا داشت
فعل	فاعل	مفعول	حال		

ذَهَبَتْ	إلى	الْبَيْتِ	مسرورة	←	دختر شادمان به خانه رفت
فعل	فاعل	جار	مجرور	حال	

به کلمات خاضعاً و مسروراً توجه کنید چه ویژگی هایی دارند؟

با دقت در این دو کلمه می بینیم که:

(الف) در پایان جمله و بعد از تکمیل اجزاء جمله آمده اند.

(ب) منصوب هستند (َ)

(ج) نکره هستند (دارای تنوین و بدون "ال" آمده اند)

نتیجه:

حال اسمی است منصوب و نکره که در پایان جمله می آید و حالت و چگونگی فاعل، مفعول و... را هنگام وقوع فعل نشان می دهد در فارسی به آن ها قید حالت می گوئیم.

نکته ①: به کلمه ای که حالت او را بیان کرده و برایش حال آورده ایم "صاحب حال" یا "ذو الحال" می گوئیم.

ذَهَبَتْ	إلى	الْبَيْتِ	مسرورة
صاحب حال			حال

نکته ②: حال در عدد و جنس با صاحب حال مطابقت می کند.



مانند:

رَجَعَ المسافرُ عَنِ السَّفَرِ سالمًا
صاحب حال مذکر حال مذکر

رَجَعَتْ المسافرةُ عَنِ السَّفَرِ سالمَةً
صاحب حال مؤنث حال مؤنث

رَجَعَ المسافرانِ عَنِ السَّفَرِ سالمينَ
صاحب حال مثنی حال مثنی

رَجَعَ المسافرونَ عَنِ السَّفَرِ سالمينَ
صاحب حال جمع حال جمع

نکته ③: معمولاً حال بر وزن های زیر می آید.

وزن اسم فاعل ← مانند خاضع ، سالم ، مُبَشِّر
مجرد مزید

وزن اسم مفعول ← مانند مسرور ، مَظْلوم

وزن فاعِل ← مانند رحيم ، گريم ، علیم

وزن فَعِل ← مانند فَرِح ، گَسِل

انواع حال

(۱) مفرد: یعنی حال یک اسم است. مانند: سالماً ، خاضعاً و...

(۲) جمله: حال یک جمله اسمیه و یا یک جمله فعلیه است.

ویژگی های
حال جمله

جمله اسمیه: جمله کامل + و + ضمیر + اسم

شاهدت الطالب (و) هو ضاحك مبتدا خبر جمله حالیه

جمله فعلیه: شاهدت الطالب یضحك اسم معرفه فعل جمله حالیه

ترجمه حال

۱- اگر حال مفرد باشد (یک اسم) در ترجمه یا حال را به صورت قید حالت معنا می کنیم.

مانند: شادان ، خندان ، خاضعانه

یا در ترجمه از کلمه "با" استفاده می کنیم.

مانند: با شادی ، با خنده

۲- اگر جمله حالیه ، جمله اسمیه باشد به صورت جمله اسمیه یعنی با فعل ربط "است" ترجمه می شود و از عبارت "در حالی که" استفاده می کنیم.

رأيت الطالب (و) هو ضاحك ← دانش آموز را دیدم در حالی که خندان است

جمله اول واو مبتدا خبر جمله اسمیه

نکته ④: به واوی که در جمله حالیه اسمیه می آید، واو حالیه می گویم .

۳- اگر جمله حالیه جمله فعلیه و (فعل مضارع) باشد فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

رایث الطالبُ یَضَحَکُ ← دانش آموز را دیدم در حالی که می خندید
جمله اول فعل مضارع (جمله حالیه)

نکته ⑤: اگر جمله حالیه ، فعل ماضی باشد گاهی با همراه "قد" می آید .

در این صورت "قد" ترجمه نمی شود و فعل ماضی به صورت ماضی بعید معنا می شود .

رایث الطالبُ قد ضَحَکَ ← دانش آموز را دیدم در حالی که خندیده بود
ماضی (جمله حالیه)

نکته ⑥: در سال گذشته آموختیم که :

اسم نکره + فعل = جمله وصفیه ← رایث طالباً یَضَحَکُ
جمله وصفیه اسم نکره جمله وصفیه

اکنون می آموزیم :

اسم معرفه + فعل = جمله حالیه ← رایث الطالبُ یَضَحَکُ
جمله حالیه اسم معرفه جمله حالیه

الدَّرْسُ الثَّالِثُ : أُسْلُوبُ إِسْتِثْنَاءٍ

اسلوب : به معنی ساختار، شیوه و روش است .

استثناء : مصدر باب استفعال به معنی جدا کردن، کنار زدن و خارج کردن است .

برای تشخیص و تعریف اسلوب استثناء به مثال های زیر توجه کنید :

(۱) نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الْامْتِحَانِ إِلَّا الْمُتَكَاسِلَ

دانش آموزان در امتحان موفق شدند جز فرد تنبل

(۲) خَرَجَ اللَّاعِبُونَ مِنَ الْمَلْعَبِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ

بازیکنان از ورزشگاه خارج شدند جز یکی از آنها

در مثال اول : فرد متکاسل را از بقیه دانش آموزان جدا کردیم.

در مثال دوم : همه خارج شدند جز یک نفر، یک نفر را از بقیه جدا کردیم.

نتیجه : هرگاه یک شخص یا یک چیز را از گروهی و جمعی جدا و خارج کردیم آن شخص و یا آن چیز را استثناء کرده ایم.

تعریف استثناء : خارج کردن یک شخص یا یک چیز از یک حکم کلی ، حکم کلی می تواند انجام یک کار باشد یا یک رویداد و اتفاق.

در زبان عربی برای استثناء کردن از کلمه " إِلَّا " استفاده می شود همان طور که در زبان فارسی برای استثناء کردن از کلمه " به جز ، به غیر از " استفاده می شود.

ارکان و اجزاء اسثناء

در جمله ای که استثناء به کار رفته است سه رکن اصلی وجود دارد :

۱- **مُسْتَثْنٰی** : (استثناء شده) اسم بعد از **إِلَّا** که حکم شامل آن نشده و از حکم کلی خارج شده است.

ارکان و اجزاء استثناء

۲- **اداة استثناء** : ابزار و وسیله ای که با آن استثناء می کنیم یعنی "**إِلَّا**"

۳- **مُسْتَثْنٰی منه** : (استثناء شده از آن) اسم قبل از **إِلَّا** که معمولاً یک اسم کلی است و حکم روی آن انجام گرفته است و مستثنی از آن جدا شده است.

در مثال زیر به ارکان استثناء دقت کنید :

<u>المتكاسيل</u>	<u>إِلَّا</u>	<u>نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الْامْتِحَانِ</u>
مستثنیٰ	اداة استثناء	مستثنیٰ منه

<u>وَاحِدًا مِنْهُمْ</u>	<u>إِلَّا</u>	<u>رَجَعَ اللَّاعِبُونَ مِنَ الْمَلْعَبِ</u>
مستثنیٰ	اداة استثناء	مستثنیٰ منه

نکته ①: مستثنیٰ مانند نقش‌هایی همچون مبتدا، فاعل، نائب فاعل و... یک نقش محسوب می‌شود.

اما مستثنیٰ منه نقش نیست و می‌تواند در جمله نقش‌هایی چون فاعل، مفعول، نائب فاعل داشته باشد.

نکته ②: گاهی اسلوب استثناء به صورت منفی است و قبل از "إِلَّا" ادات نفی مانند (لا، ما، لم، لَنْ، لَيْسَ) آمده است و مستثنیٰ منه هم در جمله محذوف است.

در این صورت می‌توان جمله را به صورت مثبت و مؤکد (به صورت تأکید) ترجمه کرد.

مانند ← ما نَجَحَ فِي الامْتِحَانِ إِلَّا عَلَى

در جمله قبل از إِلَّا :

(۱) فعل (ما نَجَحَ) با "ما" منفی شده است.

(۲) مستثنیٰ منه در جمله حذف شده است ← با دقت در جمله می‌بینیم که قبل از إِلَّا فقط فعل (ما نَجَحَ) آمده است و اسم کلی که "علی" را از آن استثناء و خارج کنیم، وجود ندارد.

بنابراین می‌توانیم :

(۱) جمله را اگر چه منفی است مثبت ترجمه کنیم.

(۲) در ترجمه "إِلَّا" از لفظ "فقط" استفاده کنیم تا جمله مؤکد (تأکید) شود.

مانند ← ما نَجَحَ فِي الامْتِحَانِ إِلَّا عَلَى ← فقط علی در امتحان موفق شد
تأکید مثبت

در این صورت با اختصاص دادن موفقیت به علی در امتحان جمله را مؤکد کردیم.

نتیجه :

برای مُؤکّد کردن اسلوب استثناء، در ترجمه "إِلَّا" از لفظ "فقط" استفاده می کنیم.

سؤال ؟؟

راه تشخیص حذف مستثنیٰ منه در جمله چگونه است ؟

برای تشخیص حذف مستثنیٰ منه در جمله ، به جمله قبل از "إِلَّا" توجه می کنیم و با دقت در ارکان جمله در می یابیم که ارکان جمله کامل نیست . مثلاً :

در جمله فعلیه ← باید فعل + فاعل + مفعول داشته باشیم

اما جمله فاقد فاعل یا مفعول است

یا در جمله اسمیه ← باید مبتدا + خبر داشته باشیم

در حالی که جمله فاقد خبر می باشد. مانند :

لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

فعل و فاعل ضمیر بارز "وا" جمله فاقد مفعول است

ما جاء إِلَّا عَلَى

فعل ← بعد از آن فاعل نداریم

اعراب مستثنیٰ

همانطور که قبلاً اشاره شد مستثنیٰ به عنوان نقش در جمله محسوب می شود پس حرکت خاص خود را دارد ، همان گونه که فاعل ، نائب فاعل ، مبتدا و ... نقش محسوب می شوند و دارای حرکت خاص خود هستند.

(۱) منصوب (َ) : معمولاً مستثنیٰ منصوب است مانند :

الْمُتَكَايِلِ

مستثنیٰ و منصوب

إِلَّا

حرف استثناء

نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الْإِمْتِحَانِ

(۲) اعرابی به غیر از نصب

اعراب مستثنیٰ

هرگاه مستثنیٰ منه در جمله محذوف باشد حرکت مستثنیٰ با توجه به حرکت **مستثنیٰ منه** خواهد بود .

یعنی اگر **مستثنیٰ منه فاعل محذوف** باشد حرکت آن به مستثنیٰ داده می شود و مستثنیٰ مرفوع (ُ) خواهد بود .

در صورتی که **مستثنیٰ منه مفعول محذوف** باشد حرکت آن به مستثنیٰ داده می شود و مستثنیٰ منصوب (َ) خواهد بود ، مانند :

ما جاء إِلَّا على

فعل ← و بعد از آن فاعل وجود ندارد
پس حرکت مستثنیٰ (على) مرفوع خواهد بود.

لا تعبدوا إِلَّا الله

فعل ← فاعل ضمیر بارز " واو " ← و جمله فاقد مفعول است
پس حرکت مستثنیٰ (الله) منصوب خواهد بود.

بحث تکمیلی درس ۳ الإعراب و التحليل الصرفي

الإعراب :

همان طور که قبلاً آموختیم الإعراب به معنی تعیین نقش کلمات در جمله است. همان گونه که انسان ها در خانه ، اجتماع و ... هر یک دارای نقش خاصی هستند کلمات هم وقتی در جمله قرار می گیرند دارای نقش می شوند. تاکنون با نقش های متعددی آشنا شده ایم. نقش هایی که باعث می شوند هر کلمه حرف آخر آن چه حرکتی داشته باشد؟

نقش کلمات بر اساس حرکات آخر آنها

مرفوعات (٢)	منصوبات (١)	مجرورات (٣)
۱- مبتدا	۱- مفعول	۱- مجرور به حرف جر
۲- خبر در صورتی که اسم باشد	۲- خبر افعال ناقصه	۲- مضاف الیه
۳- فاعل	۳- اسم حروف مشبهة بالفعل	
۴- نائب فاعل	۴- اسم " لا " نفی جنس	
۵- اسم افعال ناقصه	۵- حال	
۶- خبر حروف مشبهة بالفعل	۶- مستثنی (درس ۳)	
۷- خبر " لا " نفی جنس	۷- مفعول مطلق (درس ۴)	

نکته مهم ①: مضاف و موصوف نقش نیستند لذا می توانند هر یک از این نقش ها را داشته باشند و حرکت آنها بر اساس نقش متفاوت باشد.

نکته مهم ②: صفت تابع موصوف است ، یعنی هر حرکتی که موصوف داشته باشد صفت هم همان حرکت را می پذیرد.

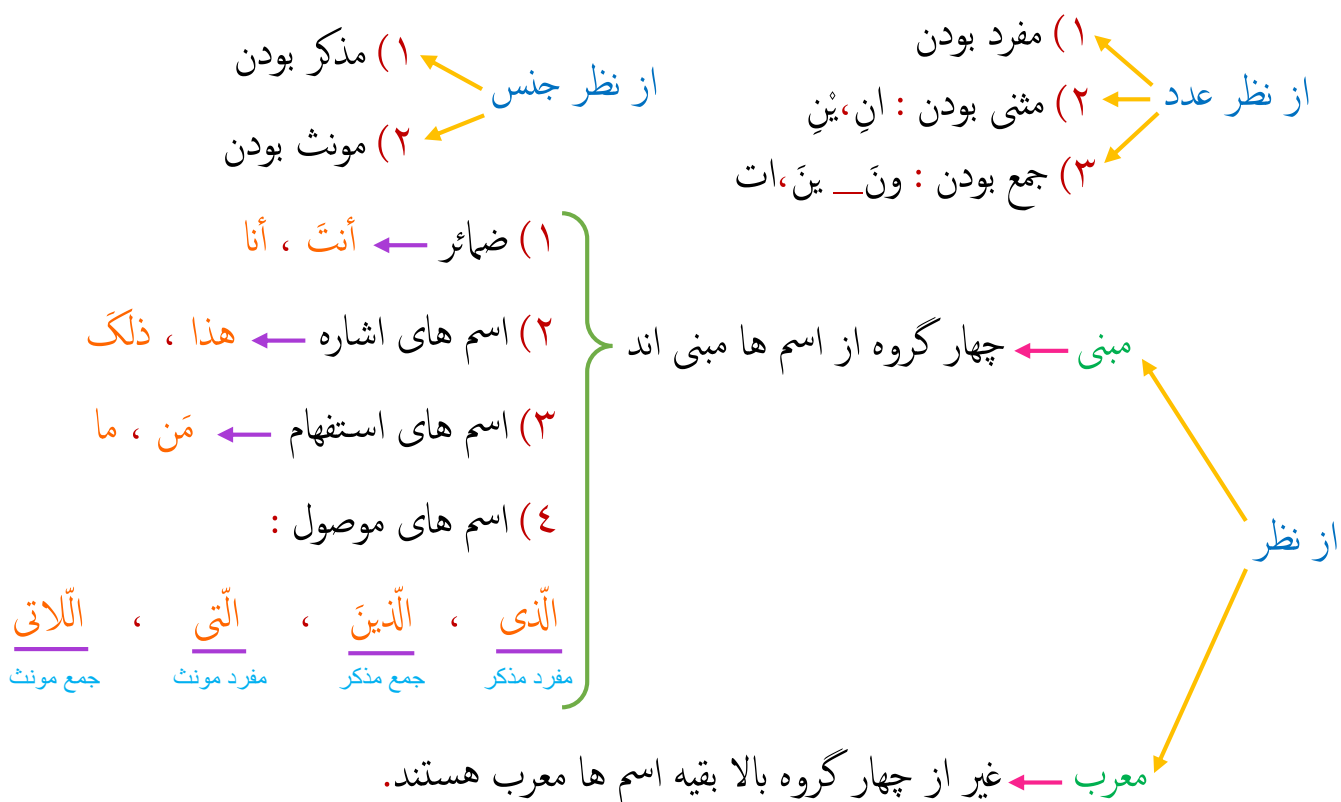
بحث تحلیل صرفی

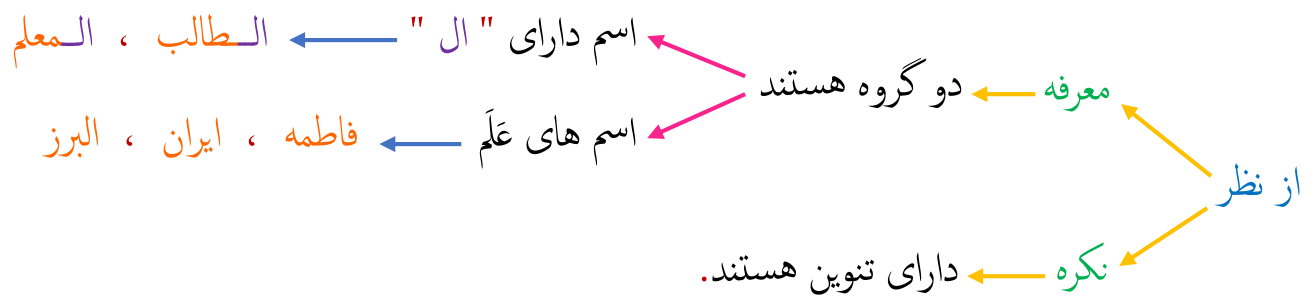
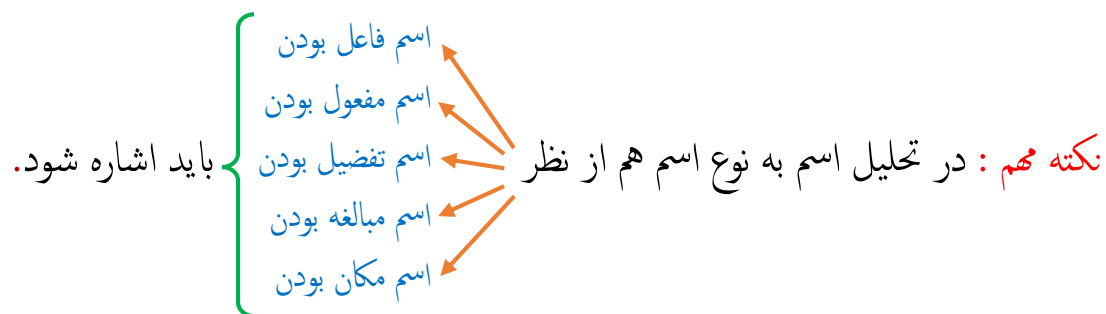
همان طور که انسان ها هر یک دارای ویژگی های خاص خود مانند نام ، نام خانوادگی ، سن ، قد و ... هستند ، کلمات هم (فعل ، اسم ، حرف) هر کدام دارای ویژگی خاص خود هستند. برای تشخیص ویژگی های هر یک از کلمات باید اول مشخص کنیم که هر کلمه آیا اسم است؟ یا فعل است؟ یا حرف؟

بعد از تشخیص اسم و فعل و حرف بودن باید ویژگی های هر یک را مشخص کرد که به این ویژگی ها تحلیل صرفی می گوئیم .

تحلیل صرفی اسم

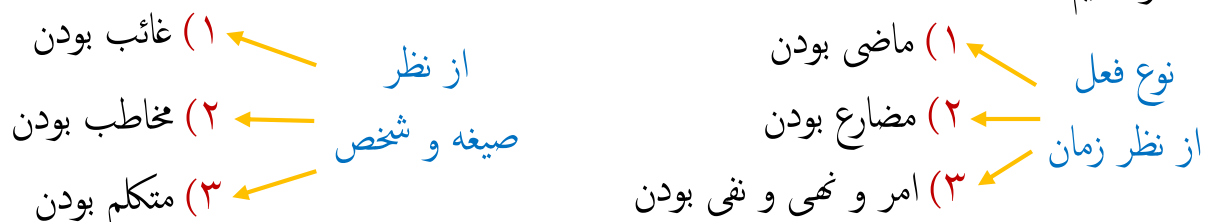
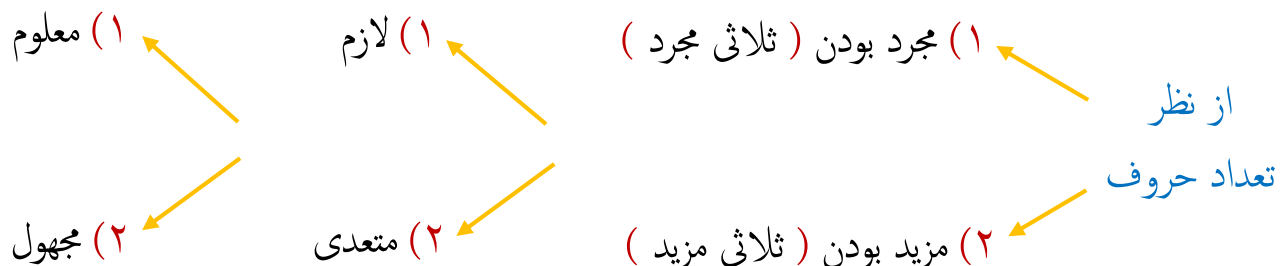
هر ساله با برخی از ویژگی های اسم آشنا شده ایم . در تحلیل صرفی اسم باید به این ویژگی ها اشاره کنیم که عبارتند از :





تحلیل صرفی فعل

هر ساله با انواع فعل و تقسیم بندی آنها آشنا شده ایم در بحث تحلیل صرفی باید به این ویژگی ها اشاره کنیم.



تحلیل صرفی حرف

(۱) همگی مبنی هستند و حرکت آخر آنها تغییر نمی‌کند. حروف

(۲) آیا عامل هستند یا غیر عامل؟

حروف غیر عامل: حروفی هستند که در اسم و فعل بعد از خود هیچ تاثیری ندارند و حرکت آخر آنها را تغییر نمی‌دهند: مثل ← **وَ ، فَ ، اَل ، قَدْ**

حروف عامل: عامل یعنی عمل کننده ، لذا این حروف در اسم یا فعل بعد از خود تاثیر گذاشته و حرکت آخر آنها را تغییر می‌دهند.

(۱) **حروف جاز (جَرّ):** فِی - عَن - اِلَی - لِ - بِ - کَ - مِنْ - عَلَی

(۲) **حروف ناصبه:** اَنْ - لَنْ - کِی - لِ - لَکِی - حَتّٰی

(۳) **حروف جازمه:** لَا نَهْی - لَمْ - لَام امر (لِ -) - اِنْ ، مَنْ ، مَا شرطیه

(۴) **حروف مشبّهة بالفعل:** اِنَّ - اَنْ - کَأَنَّ - لَکِنَّ - لَیْتَ - لَعَلَّ

(۵) " لا " نفی جنس

حروف عامل
عبارتند از

الدَّرْسُ الرَّابِعُ : مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ

به مثال های زیر توجه کنید :

(۱) اِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ .

(۲) اِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اِسْتِغْفَارًا .

(۳) اِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اِسْتِغْفَارًا صَادِقًا .

(۴) اِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ .

در مثال های فوق ، جملات چه تفاوتی با هم دارند ؟

اگر دقت کنیم در :

مثال (۱) یک جمله ساده فعلیه داریم ← فعل + فاعل + مفعول .

مثال (۲) اِسْتِغْفَارَ به جمله اضافه شده است .

مثال (۳) اِسْتِغْفَارَ همراه با " صفة " آمده است .

مثال (۴) اِسْتِغْفَارَ همراه با " مضاف إليه " آمده است .

سؤال ← اِسْتِغْفَارَ در این جملات دارای چه ویژگی هایی است ؟

با دقت در می یابیم که :

الف) مصدر و از جنس فعل جمله است : اِسْتَغْفَرَ ← اِسْتِغْفَارَ

ب) منصوب است . اِسْتِغْفَارًا

نتیجه :

مفعول مطلق مصدری است منصوب از جنس فعل جمله که برای :

(۱) تأکید فعل

(۲) بیان کیفیت و چگونگی فعل می آید .

بنابراین :

(۱) یا تأکیدی است ← برای تأکید کردن فعل می آید ← زمانی که مصدر به تنهایی باشد ←
مفعول مطلق

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا

(۲) یا نوعی است ← برای بیان نوع و چگونگی فعل می آید ← یعنی با کلمه بعد از
خود توضیح می دهد که فعل چگونه انجام شده است .
در این صورت یا با صفة یا با مضاف الیه همراه است .

إِسْتَغْفَرْتُ إِسْتِغْفَارًا صادقاً

إِسْتَغْفَرْتُ إِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ

نکته ①: همان طور که دانستیم مفعول مطلق مصدر از جنس فعل جمله است .

بنابراین دقت کنیم که :

(۱) در فعل های ثلاثی مجرد : قانون و وزن خاصی ندارند لذا باید مصدر های
مصدر ها فعل ثلاثی مجرد را حفظ کرده و آنها را بشناسیم .

(۲) در فعل های ثلاثی مزید : طبق قانون و دارای وزن خاص هستند .

ترجمه‌ی مفعول مطلق

در ترجمه مفعول مطلق چه تأکیدی چه نوعی نیازی به ترجمه مصدر نیست .

بنابراین :

در مفعول مطلق **تأکیدی** ← در ترجمه به جای مصدر از قید های تأکیدی مانند " بی گمان " ،
 " حتماً " ، " قطعاً " استفاده می کنیم . مانند ←

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا

قطعاً از خداوند طلب آمرزش خواستم .
 حتماً از خداوند طلب آمرزش خواستم .

در مفعول مطلق **نوعی** ← همراه با مضاف الیه باشد ← در ترجمه به جای مصدر از کلماتی مانند
 " همچون " ، " مثل " ، " مانند " استفاده می کنیم . مانند ←

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ

خداوند را همچون صالحان استغفار کردم .
 از خداوند همچون صالحان طلب بخشش کردم .

و در مفعول مطلق **نوعی** ← همراه با صفة باشد ← در ترجمه به جای مصدر صفت را به
 صورت قید ترجمه می کنیم . مانند ←

إِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا صَادِقًا

از خداوند صادقانه طلب بخشش کردم .

الدَّرْسُ الْخَامِسُ : أَسْلُوبُ النِّدَاءِ

أَسْلُوب : به معنی، ساختار، شیوه و روش است . **ندا :** صدا زدن

می خواهیم بدانیم که در عربی چگونه افراد را صدا بزیم و مورد خطاب قرار دهیم؟

ابتدا به مثال های زیر در فارسی دقت کنیم :

(الف) سعدیا مرد نکونام نگیرد هرگز .

(ب) ای ساربان آهسته ران کارآم جانم می رود .

در مثال بالا " الف " در سعدیا و کلمه " ای " ابزاری برای خطاب و صدا زدن هستند که با اضافه کردن آنها " سعدی " و " ساربان " را مخاطب قرار دادیم و صدا زدیم .

هم چنین به دو کلمه " سعدی " و " ساربان " که صدا زده شدند " منادی " می گویم .

مُنَادِي : اسم مفعول از باب مُفَاعَلَة و به معنی " صدا زده شده " می باشد .

پس :

مُنَادِي اسمی است که ندا داده شده و صدا زده شده است .

اکنون به مُنَادِي در زبان عربی می پردازیم .

چگونه افراد و اشخاص را صدا بزیم و مورد خطاب قرار دهیم؟

در عربی معمولاً برای صدا زدن از حرف " یا " استفاده می شود .

" یا " از مهم ترین حروف ندا در عربی است . مانند :

یا	یا	یا	یا
حرف ندا	حرف ندا	حرف ندا	حرف ندا
مُنَادِي	مُنَادِي	مُنَادِي	مُنَادِي
غَاثِرُ الذُّنُوبِ	حُسَيْنُ	اللَّهُ	

اللَّهُ، حسین، غَاثِرُ که با " یا " مورد خطاب واقع شده اند " منادی " هستند .

نکته ①: گاهی "یا" حرف ندا در جمله حذف می شود و از مفهوم جمله مشخص می شود .

معمولاً دعا هایی که با رَبَّنَا آغاز می شوند این گونه هستند . مانند : رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

در اصل یا رَبَّنَا بوده است که "یا" حذف شده است .

حرف ندا (یا) بر سر اسم بدون "ال" می آید . مانند ← یا وَلَدٌ ، یا بِنْتُ

بنابراین حرف ندا (یا) همراه با اسم دارای "ال" نمی آید . مانند ← یا الْوَلَدُ ، یا الْبِنْتُ

غلط

غلط

پس در صورتی که منادی دارای (ال) باشد :

اگر منادی مذکر باشد بعد از "یا" کلمه "أَيُّهَا" به کار می رود .

و اگر منادی مؤنث باشد بعد از "یا" کلمه "أَيَّتُهَا" به کار می رود .

مانند

أَيُّهَا الْوَلَدُ

یا

أَيَّتُهَا الْبِنْتُ

مؤنث و دارای "ال"

مذکر و دارای "ال"

نکته ②: منادی در جمله نقش محسوب می شود بنابراین باید به ترکیب و محل اعرابی منادی توجه کنیم:

یا حسین
حرف ندا منادی

یا الله
حرف ندا منادی

و در صورتی که منادی همراه با "أَيُّهَا" و "أَيَّتُهَا" باشد ترکیب بدین صورت است :

یا أَيُّهَا الْوَلَدُ المُؤَدَّبُونَ حَافِظُوا عَلَى نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ
حرف ندا گروه منادی

یا أَيَّتُهَا الْبَنَاتُ المُؤَدَّبَاتُ حَافِظْنَ عَلَى نِظَافَةِ الطَّبِيعَةِ
حرف ندا گروه منادی

نکته ③: حرف "یا" به معنی "ای" ترجمه می شود و أَيُّهَا و أَيَّتُهَا در جمله ترجمه نمی شوند .

انواع منادی

(۱) **عَلَم** : اسم عَلَم (خاص) را صدا زده و مخاطب قرار می دهیم :

مانند ← **يا الله** **يا حسين** **يا زهراء**

انواع منادی

(۲) **مُضَاف** : در این حالت منادی به **یا** **اسم** **یا ضمیر** بعد از خود اضافه شده است.

مانند ← **يا** **مُجِيب** **الدَّعَوَاتِ** **يا** **رَبِّنا**

حرف ندا منادی و مضاف مضاف الیه (اسم) حرف ندا منادی و مضاف مضاف الیه (ضمیر)

(۱) **عَلَم** ← در این صورت مرفوع با ضمه (ُ) است :

يا الله **يا حسين**

اعراب منادی

(۲) **مُضَاف** ← در این صورت منصوب با فتحه (َ) است :

يا مجيب الدعوات **يا غافر الذنوب** **يا ربنا**

نکته (۴): لفظ جلاله " **الله** " به دو صورت منادی واقع می شود

يا الله **اللهم**

نکته (۵): منادی می تواند به ضمیر متکلم وحده (ی) اضافه شود در این صورت گاهی ضمیر " **ی** "

حذف می شود . مانند ← **يا ربّ** = **يا ربّي** **يا قوم** = **يا قومي**

بنابراین

هرگاه اسم بعد از " **يا** " (منادی) مجرور (ِ) باشد نشانه حذف " **ی** " در منادی است .

يا ربّ ، **يا قوم**